پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۲، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صص ۲۷۱-۲۹۱ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini
No. 52, Spring & Summer 2026

هم‌گرایی و واگرایی البانی با وهابیت در حقیقت کفر و کافر

حسن عربی[۱]، سجاد چهره‌گشا[۲]، مجتبی مرادی مکی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰)

چکیده

مسئله ایمان و کفر همواره یکی از مباحث مورد بحث در اندیشه مسلمانان بوده است. عالمان مسلمان دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص تعریف و معیار کفر و کافر ارائه نموده‌اند؛ در این میان دیدگاه واحدی بین وهابیت در مسئله کفر و کافر وجود ندارد. اکثر عالمان وهابیت در قامت مروجان کفر و تکفیر با ارائه تعریف و معیار نادرست از کفر، بسیاری از مسلمانان را تکفیر نموده‌اند. در مقابل، برخی دیگر همچون ناصرالدین البانی، به عنوان یک حدیث‌شناس وهابی، دیدگاه متفاوتی در تعریف و معیار کفر ارائه می‌دهند. بر این اساس، اثر حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی واگرایی و همگرایی میان دیدگاه وهابیت و البانی در مسئله کفر و کافر می‌پردازد و این نتیجه را به دست می‌دهد که هرچند دیدگاه وهابیت و البانی در دو حوزه تعریف کفر و کافر و اصل تقسیم‌بندی کفر همگرایی و اشتراک نظر دارند، با این حال، می‌توان گفت در چهار محور مهم میان دو نظریه واگرایی و افتراق وجود دارد که عبارتند از: التزام عملی به تعریف و اقسام کفر، شروط تکفیر، توسعه موانع تکفیر، و معیار کفر و کافر. بدیهی است که این واگرایی‌ها به خصوص در چهار محور فوق پیامدهای مهمی را به همراه دارد و بر اساس آن می‌توان به شکاف علمی بین وهابیت و البانی در مسئله کفر و کافر پی برد و البانی را یک جریان فکری متمایز از وهابیت در مسئله کفر و کافر دانست.

کلید واژه‌ها: کفر، وهابیت، البانی، کفر اکبر، کفر اصغر، اعتقاد قلبی، اعمال ظاهری.

۱. دانش پژوه سطح سه، موسسه آموزش عالی حوزوی ائمه اطهار، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول)؛
hasanarabi2411@gmail.com
۲. دانش پژوه سطح سه، موسسه آموزش عالی حوزوی ائمه اطهار، مشهد، ایران؛
sajad.chehregosha.2030@gmail.com
۳. پژوهشگر مدعو پژوهشکده بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان، مدرس سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران؛ moradimaki1393@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۱. بیان مسأله

مفهوم «کفر» و تعیین مصادیق «کافر»، همواره یکی از مهم‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین مباحث در حوزه معارف اسلامی بوده است. این مسئله، نه تنها در نظام‌های کلامی و فقهی نقش بنیادینی ایفا می‌کند، بلکه در طول تاریخ اسلام، همواره بستر مناقشات فکری و حتی برخوردهای عملی میان فرق و مذاهب مختلف بوده است. وهابیت، به مثابه جریانی فکری تفسیری خاص از توحید و شرک ارائه داده و رویکرد آن در تکفیر، از جمله موارد بحث‌برانگیز در جهان اسلام معاصر به شمار می‌آید؛ محمد ناصرالدین البانی نیز به عنوان یک حدیث‌شناس و فقیه سلفی معاصر، دیدگاه‌هایش در محافل سلفی مورد توجه و دارای تأثیر بوده، اما در مسئله تکفیر، رویکردی متفاوت با برخی جریانات سلفی از خود نشان داده است، لذا هر دو در کنار یکدیگر کانون‌های اصلی تحلیل تطبیقی این حوزه را تشکیل می‌دهند.

پژوهش حاضر، تبیین دقیق همگرایی‌ها و واگرایی‌های اندیشه وهابیت و البانی در مسئله معیار کفر و کافر است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است که با وجود اشتراکات نظری میان وهابیت و البانی، چه تفاوت هایی در التزام عملی و شیوه تطبیق این مفاهیم بر افراد و مصادیق خارجی وجود دارد؟

۲. مقدمه

از دیرباز در خصوص معیار تشخیص کفر و کافر و شناسایی مصادیق آن به عنوان یکی از مسائل بنیادین و تأثیرگذار در شکل‌گیری نگرش‌های کلامی و فقهی مسلمانان بحث‌های فراوانی مطرح شده و امروزه نیز این بحث در بین عالمان مذاهب مختلف از جهات متفاوتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است در این میان ناصر الدین البانی که یکی از عالمان حدیث گرای وهابیت بوده و در بین آنها کرسی تدریس و جایگاه علمی دارد نگاه متفاوتی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

در حقیقت کفر و کافر با جریان وهابیت دارد که در برخی از موارد منجر به همگرایی و در برخی موارد منجر به واگرایی از وهابیت شده است.

بسیار روشن است همانطور که نبود معیار و ضابط دقیق در تعیین کفر و کافر می تواند پیامدهای مخربی داشته باشد تبیین نادرست از همگرایی‌ها و واگرایی‌های یک شخصیت علمی با جریان معاصر وهابی نیز می تواند به یکسان انگاری آن‌ها در موضوع حساس کفر و کافر منجر شود و راه را برای برداشت‌های جریان های افراطی و تکفیری باز نماید و در نقطه مقابل تبیین دقیق این معیارها، نه تنها به رفع ابهامات نظری کمک می‌کند، بلکه در شناخت ریشه‌های برخی از اختلافات فکری و زمینه‌های بروز پدیده‌های اجتماعی معاصر، نقشی حیاتی ایفا خواهد کرد.

برخی از پژوهشگران تاکنون به برخی از ابعاد این مسئله پرداخته‌اند به عنوان نمونه مقاله ای با عنوان «هم‌گرایی و واگرایی اندیشه‌ی البانی با جریان‌های سلفی» اثر مهدی مسائلی به طور کلی به تفاوت های اندیشه البانی و جریانهای سلفی پرداخته است اما در خصوص معیار کفر بحث مفصلی ارائه نداده است. همچنین، محمد علیدوست در مقاله «نقد مبانی معناشناسی وهابیت در موضوع کفر» صرفاً به تحلیل دیدگاه وهابیت در موضوع کفر پرداخته و به نظرات البانی نپرداخته است همچنین استاد حسین قاضی‌زاده نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موانع تکفیر از دیدگاه وهابیت» موانع تکفیر را تنها از منظر وهابیت تحلیل کرده است. بر این اساس نوآوری پژوهش حاضر در آن است که به تحلیل تطبیقی و ریشه‌یابی همگرایی‌ها و واگرایی‌های وهابیت و البانی در تمامی ابعاد مسئله کفر و کافر می‌پردازد. این رویکرد فراگیر، شکاف موجود در تحقیقات پیشین را پر کرده و تصویری دقیق‌تر و جامع‌تر از تمایزات و اشتراکات این دو جریان در یکی از حساس‌ترین مسائل فکری جهان اسلام ارائه می‌دهد.

در ابتدا به اختصار به معرفی وهابیت و شخصیت البانی پرداخته می‌شود گروهی موسوم به وهابیت در منطقه نجد عربستان توسط محمد بن عبدالوهاب تأسیس شد. وهابیان مدعی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

پیروی از فقه احمد بن حنبل هستند وخود را تنهـا مسـلمان واقعـی دانسـته و سـایر فـرق اسلامی را مشرک می‌پندارند و قتل آنان را مباح می‌شمارند. آنچه مسلم است این است کـه وهابیت از افکار و آراء ابن تیمیه تاثیر پذیرفته‌اند (ابن عابـدین، ۱۵۴/۴). ایـن جنـبش بـا اتخاذ تفسیری خاص از مفاهیم بنیادین توحید و شـرک، و تمـایزات خودسـاخته در بـاب اسلام و کفر، سنت و بدعت، به تکفیر وسیع مسلمانان مبادرت ورزید. کنش‌های محمد بـن عبدالوهاب در حجاز، از جمله تکفیر و پیکار با مخالفان عقیـدتی ـ حتـی پیـروان مـذهب حنبلی ـ گواه این رویکرد است (عبدالملکی، ۱۴). آنان با استناد گزینشی به برخـی آیـات قرآنی و روایات، تفسیر منحصربه‌فرد خود را معیار حق دانسته و هرگونه دیـدگاه مغـایر را منافی با نصوص شرعی تلقی می‌کنند. بر این اساس، تنها نگـرش خـود را توحیـدی نـاب انگاشته و سایر مسلمانان را به اتهام شرک در عبادت و بـدعت‌گـذاری محکـوم مـی‌کننـد (محسن امین، ۱۲/۷).

همچنین ناصرالدین البانی (۱۳۳۲ – ۱۴۲۰) کـه در ایـن مقالـه بـه مقایسـه آراء او در حقیقت کفر و کافر با وهابیت پرداخته می شود به عنوان حـدیث‌شـناس معـروف در میـان وهابیان در دوره معاصر مطرح است و تحقیقات حدیثی او مورد توجه بسیاری قرار گرفتـه است (شیبانی، ۵۴۳؛ محمد العلی، ۱۹). در کشور آلبانی دیده به جهان گشـود، در سـن نـه سالگی به همراه پدرش به سوریه مهاجرت نمود و در همان جـا بـه کسـب علـوم دینـی و دانش پرداخت و تحت تأثیر نگرش وهابیت قـرار گرفـت (شـیبانی، ۴۴/ ۴۵). البـانی بـه دعوت عبدالعزیز بن باز، مفتی ارشد عربستان سعودی، به مدت سه سال، از سال ۱۳۸۱ تـا ۱۳۸۳ قمری، در دانشگاه مدینه به تدریس مشغول شد. با این حال، به دلیل بروز اخـتلاف دیدگاه‌ها و فشارهای وارد شده از سوی مخالفان، از ادامه تدریس در این دانشگاه بازمانـد و به دمشق بازگشت (همان، ۶۰). در ادامه زندگی، او از سـوریه بـه اردن مهـاجرت کـرد، سپس مجدداً به سوریه بازگشت و پس از آن به بیروت، امارات متحده عربـی و در نهایـت در شهر عمان، پایتخت اردن، اقامت گزید (همان،۷۰). سـرانجام در بیسـت و دوم جمـادی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

الاول سال ۱۴۲۰ قمری در سن هشتاد و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت (محمد العلی، ۵۲). از ناصر الدین البانی آثار بسیاری در حوزه حدیث بجا مانده از جمله دو کتاب معروف سلسلة الاحادیث الصحیحه و سلسلة الاحادیث الضعیفه که تفاوت‌های معناداری با آراء وهابیت در مسائل مختلف از جمله مناقب اهل بیت علیهم‌السلام دارد به جا مانده است.

۳. هم گرایی البانی با وهابیت در مسئله کفر و کافر

۳-۱. تعریف کفر و کافر

واژه‌ی «کفر» در لغت عرب به معنای پوشاندن و پنهان کردن است از این رو، مردم عرب، شب را «کافر» می‌گویند؛ زیرا اشیاء را می‌پوشاند و پنهان می‌کند (جوهری، ۸۰۸/۲؛ فیروزآبادی، ۴۷۱). در اصطلاح علوم اسلامی، مفهوم کفر بسته به زمینه‌ی کاربرد آن در علوم مختلف، از جمله فقه و کلام، تفاوت‌هایی دارد. در علم فقه، کفر در تقابل با اسلام قرار می‌گیرد و معیار حداقلی برای خروج از آن، امتناع از جاری ساختن شهادتین است (مسلم، ۱۸۷۲/۴). اما در علم کلام، کفر در برابر ایمان به کار می‌رود و ابعاد اعتقادی و قلبی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، به طوری که صرف انکار لسانی تمام مفهوم کفر را در برنمی‌گیرد در مجموع می‌توان عدم باور (آگاهانه) به الوهیت، توحید، نبوت، معاد (یزدی، ۵۴/۱) یا امور ضروری دین را شاخصه کافر دانست. (علم الهدی، ۵۳۴؛ سبحانی، ۴۹).

وهابیت، با تأکید بر اصول اعتقادی اسلام و محوریت توحید، کفر را در معنای لغوی به «پوشاندن» و در اصطلاح شرعی به «عدم ایمان»، «عدم توحید»، «شرک ورزیدن به خداوند در عبادت، ربوبیت یا اسماء و صفات» و «ارتداد و بازگشت از اسلام پس از پذیرش آن» تعریف می‌کنند (ابن عبدالوهاب، ۱۳۴۹: ۳۳؛ الشبل، ۴۲). در تبیین مفهوم «کافر»، علمای وهابی با استناد به نصوص شرعی، بر عنصر عناد و انکار آگاهانه حق تأکید دارند و کافر را کسی می‌دانند که حقیقت دین اسلام بر او آشکار شده و با علم و یقین به آن رسیده است، اما از روی تکبر یا پیروی از هواهای نفسانی، از پذیرش آن سر باز

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

می‌زند (العثیمین، ۱۴۱۳، ۳۴/۷۲).

البانی نیز کفر را عبارت از انکار ضروریات اعتقادی، باور به امور باطل شرعی، تردید در واجبات و محرمات قطعی، یا انجام عملی دال بر انکار اعتقادی می‌داند (البانی، ۱۴۳۲: ۲۵۱/۵؛ همو، بی‌تا ـ الف، ۱۰/۲؛ همو، ۱۴۱۵، ۱۱۲/۶). وی در تعریف کافر بیان می‌کند که هرگاه حجت از سوی عالم به کتاب و سنت بر فردی اقامه شود و او با علم به حقیقت، از روی عناد و تکبر از پذیرش آن امتناع ورزد، کافر محسوب می‌گردد؛ زیرا کفر به معنای پوشاندن حق پس از ظهور آن است. البانی با استناد به آیه «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (النمل، ۱۴) تأکید می‌کند که انکار حقیقت پس از آشکار شدن، کفر است (البانی، ۱۴۳۲، ۲۴۲/۶ و ۲۴۳).

بر این اساس در تعریف کفر و کافر، وهابیت و البانی بر انکار آگاهانه و از روی عنادِ حقیقی که حجت بر آن تمام شده است، به عنوان رکن اساسی تحقق کفر تأکید دارند. هر دو جریان، صرف جهلِ محض را موجب کفر نمی‌دانند، بلکه انکار پس از علم و وضوح را ملاک قرار می‌دهند.

۳-۲. اقسام کفر از دیدگاه وهابیت و البانی

وهابیت، کفر را به دو قسم اساسی اکبر و اصغر تقسیم می‌کند (ابن عبدالوهاب، بی‌تا ـ الف: ۴۶؛ الشبل، ۴۸؛ بن باز، بی‌تا ـ الف: ۱۶۹/۴). از منظر این جریان، کفر اکبر به آن دسته از اعتقادات، اقوال و اعمالی اطلاق می‌شود که موجب خروج فرد از دایره اسلام و استحقاق عذاب جاودان در آخرت می‌گردد. مصادیق متعددی برای کفر اکبر در اندیشه وهابیت ذکر شده است، از جمله شرک در عبادت، انکار اصول دین، استهزاء به مقدسات، سحر، اعراض از دین، نفاق اکبر، ارتکاب نواقض الاسلام و غلو در صالحین (آل الشیخ، بی‌تا- الف: ۲۰/۱؛ ابن عبدالوهاب، بی‌تا- ب: ۳۸۷؛ آل‌الشیخ، بی‌تا- ب: ۳۳۰/۲۱). در مقابل، کفر اصغر به معنای اعمال و اقوالی است که منافی کمال ایمان بوده و از مصادیق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

گناه کبیره به شمار می‌رود، مانند ریا، طعنه زدن در نسب و قتال مسلمان بدون استحلال (بن باز، بی‌تا- الف: ۴/ ۱۶۹). علاوه بر این، وهابیت به تمایز میان کفر اعتقادی که ناشی از باورهای فاسد در اصول دین است و کفر عملی که ناشی از اعمال منافی با ارکان و شعائر اسلام می‌باشد، قائل است (آل‌الشیخ، ۱۴۲۰، ۴۰۶/۱۷).

البانی نیز، همسو با این تقسیم‌بندی، کفر را به دو قسم کفر اعتقادی و کفر عملی تقسیم می‌کند (البانی، ۱۴۱۵، ۱۱۲/۶؛ همو، ۱۴۳۱، ۲۴۸/۴ و ۴۵۴). کفر اکبر، کفری است که فرد را از دایره اسلام خارج می‌کند و کفر اصغر، کفری است که موجب خروج از اسلام نمی‌شود (البانی، ۱۴۳۱، ۴۵۴/۴). البانی، کفر اعتقادی (قلبی) را مترادف با کفر اکبر دانسته و آن را ناشی از اعتقادات و باورهای قلبی مغایر با اصول دین می‌داند (البانی، ۱۴۳۱، ۲۴۸/۴). در مقابل، وی همچنین به کفر عملی (لفظی) اشاره می‌کند که شامل انجام اعمالی که شرعاً از اعمال کافران شمرده می‌شود یا بر زبان آوردن اقوال مشعر به کفر است، بدون آنکه فرد در قلب خود اعتقادات آنان را داشته باشد و همچنان خود را مسلمان بداند (البانی، بی‌تا ـ الف: ۲۴۷/۸؛ البانی، ۱۴۱۵، ۱۱۲/۶).

وهابیت و البانی هر دو، تقسیم‌بندی بنیادین کفر به اکبر و اصغر و همچنین تمایز میان کفر اعتقادی و عملی را مطرح می‌کنند. هر دو جریان، کفر اکبر را موجب خروج از اسلام و کفر اصغر را منافی کمال ایمان می‌دانند. همچنین، هر دو اذعان دارند که کفر اعتقادی و عملی می‌توانند به تبع نوع و شدت خود، مصادیقی از کفر اکبر یا اصغر باشند.

٤. واگرایی البانی با وهابیت در مسئله کفر و کافر

٤-١. التزام عملی به تعریف و اقسام کفر

وهابیان گرچه با البانی در تعریف و اقسام کفر همگرا هستند اما در التزام عملی به مفهوم کفر و اقسام آن واگرایی وجود دارد. به عنوان نمونه نحوه مواجهه هر دو آنها با مخالفان و موافقان خود متفاوت است؛ چرا که وهابیان با تندروی و افراطی‌گری با مخالفان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

مواجهه می‌شوند اما البانی اعتدلال بیشتری نسبت به مخالفان خود دارد. وهابیان با تکیه بر تعاریف نظری خود از کفر اکبر و شرک، بسیاری از اعمال یا اعتقادات فرق اسلامی دیگر (مانند استغاثه، ذبح، نذر و...) را مصداق شرک اکبر و موجب خروج از اسلام قلمداد کرده است (ابن عبدالوهاب، بی‌تا ـ ۴/۱؛ ابن فوزان، بی‌تا، ۸۹/۲). این شیوه مواجهه، اغلب به برخوردهای شدید، اتهام‌زنی‌های گسترده و در مواردی به خشونت علیه مخالفان منجر شده است.

در مقابل، البانی با وجود آنکه خود منتقد بدعت ها و انحرافات بوده، اما در التزام عملی به تعاریف و اقسام کفر، رویکرد محتاطانه‌تر و معتدل‌تری را در پیش گرفت. تأکید او بر شروط دقیق تکفیر (همچون یقین به اعتقاد قلبی) و گسترش دایره موانع تکفیر موجب شد که در عمل، دایره تکفیر او به مراتب محدودتر از وهابیت باشد (البانی، ۱۴۳۲، ۱۷۱/۱۰). البانی همواره بر لزوم احتیاط در تکفیر افراد معین تأکید می‌کند (البانی، ۱۴۱۲، ۲۲۰/۳). و حتی در مواردی که وهابیت به‌سرعت حکم به کفر می‌داد، البانی با تبیین بیشتر و ارائه عذر، از تکفیر پرهیز می‌نمود (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۶/۴). این اعتدال در کاربرد مفاهیم کفر، موجب مواجهه ملایم‌تر او با مخالفان فکری‌اش شد.

همچنین با وجود هم گرایی در تقسیم کلی، در فهم و تعیین مصادیق کفر اکبر و اصغر (یا عملی و اعتقادی) نیز اختلافاتی بین دو دیدگاه وجود دارد. برای مثال، در مسئله ترک کردن نماز، وهابیت آن را از مصادیق شرک و کفر اکبر تلقی می‌کند (العثیمین، ۱۴۱۳، ۹۹/۱۲؛ بن باز، بی‌تا، ۳۱/۱۵). در حالی که البانی با توجه به معیار اعتقاد قلبی، رویکرد متفاوتی اتخاذ نموده که عبارت است از فرق انگاری بین کفر عملی و کفر اعتقادی[1] (البانی، ۱۴۳۱: ۲۵۰/۴).

٤-۲. شروط کفر اکبر

وهابیان، با وجود تأکید فراوان بر اهمیت تمایز میان کفر و ایمان، در مقام صدور حکم

۱. قوله علیه السلام: «بین الرجل و بین الکفر ترک الصلاة، فمن ترک الصلاة فقد کفر... من ترک الصلاة مؤمناً بشرعیتها فکفره کفر عملی».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

تکفیر برای افراد مجموعه‌ای از شروط را مورد توجه قرار می‌دهند (العثیمین، ۱۴۲۱، ۱۰/۳۸؛ الشبل، ۵۲). مهم ترین شروط تکفیر معین از دیدگاه وهابیت عبارتست از:

۱. ثبوت کفر اکبر بودن فعل یا قول بر اساس ادله شرعی: نخستین شرط برای تکفیر شخص معین، آن است که با استناد به نصوص قطعی و محکم کتاب و سنت، ثابت گردد که فعل یا قول مورد نظر ذاتاً از موجبات کفر است (العثیمین، ۱۴۲۱، ۱۰/۳۸؛ الشبل، ۵۲؛ ابن فوزان، بی‌تا، الف و ب، ۸/۳).

۲. انطباق وصف کفر بر شخص معین: شرط دوم، تحقق و انطباق دقیق وصف کفرآمیز (فعل یا قول) بر شخص مورد نظر است (همان).

۳. اقامه حجت و رفع شبهه: سومین شرط اساسی، اقامه حجت شرعی واضح و روشنگر بر شخص مکلف و فهم او از مضمون آن است. همچنین، هرگونه شبهه و ابهامی که ممکن است در ذهن فرد وجود داشته باشد، باید برطرف گردد (همان؛ الشبل، ۵۲).

این در حالی است که البانی چند شرط را در کتب خود برای حکم به کفر افراد مطرح نموده است که عبارتند از:

۱. یقین به انکار و مخالفت قلبی طرف مقابل: علم قطعی به اینکه فرد در قلب خود منکرِ اصل یا حکمی از دین شده است (البانی، ۱۴۳۲، ۱۷۱/۱۰).

۲. علم به حکم شرعی: آگاهی فرد از حکم شرعی مورد مخالفت. جهل به حکم یا تأویل نادرست مانع از تکفیر است (البانی، ۱۴۳۱، ۲۴۸/۴).

۳. اقامه حجت و رفع شبهه: تبیین واضح حکم شرعی برای فرد و رفع شبهات او، نیز از شرائط تکفیر است (البانی، بی‌تا، الف، ۴۶۸/۱۶؛ همو، ۱۴۱۲، ۲۰۲/۳). او در ادامه اصرار بر کفر پس از اقامه حجت موجب وجوب تکفیر طرف مقابل می‌شود (البانی، ۱۴۳۱، ۲۸۱/۴ و ۲۸۲).

۴. اجتناب از شتاب‌زدگی: پرهیز از تکفیر عجولانه و بدون تحقق شروط (البانی، ۱۴۳۲، ۱۷۰/۱۰).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

بررسی تطبیقی این شروط از دیدگاه وهابیت و البانی نشـان از واگرایـی دو دیـدگاه در شرط اول البانی دارد که او افزون بر شروط وهابیت، یقین به انکـار مخالفـت قلبـی طـرف مقابل را شرط می‌داند و این مساله جایگاه اعتقاد و نیت قلبی را در کفر افراد نشان می‌دهد.

٤-۳. موانع کفر

در حوزه موانع تکفیر، با وجود همپوشـانی‌هـایی در برخـی مصـادیق، وهابیـت و البـانی رویکردهای متفاوتی را اتخاذ می‌کنند که منجر به واگرایی قابل توجهی در دامنه شمول تکفیـر می‌گردد. وهابیت، با وجود تأکید بر خطیر بودن حکم تکفیر، موانع محدودی را ذکر می‌کند که در مقابل توسعه موانع از سوی البانی منجر به دایره وسیع‌تری برای تکفیر می‌شود.

وهابیان چندین مانع برای حکم به کفر شخص معین در کتب خود ذکر کرده‌اند. مهم‌ترین موانع مورد اتفاق بسیاری از علمای وهابی عبارتند از:

۱. جهل: نخستین مانع تکفیر معین، جهل و عدم آگاهی شخص به حکم شرعی است. اگـر فردی به دلیل عدم اطلاع از حرمت یک فعل یا قول، مرتکب آن شود، تا زمانی که حجت بـر او اقامه نگردد، تکفیر نمی‌شود. با این حال، در مسائل اعتقادی و اصول دیـن، پـس از ابـلاغ واضح حجت، عذر به جهل در دیدگاه هیئت کبار العلما پذیرفتـه نیسـت، مگـر در بـلاد غیـر اسلامی که دعوت اسلام به صورت صحیح به آنان نرسیده باشـد (بـن بـاز، ۱۴۲۸، ۴۱۹/۱). این رویکرد، جهل در اصول دین را پس از ابلاغ حجت، عذری برای تکفیر نمی‌شمارد.

۲. خطا: دومین مانع، صدور فعل یا قول کفرآمیز از روی اشتباه و بدون قصد است. اگـر فردی به سهو و نادانسته سخنی کفرآمیز بر زبان آورد یا فعلی منافی با توحید انجـام دهـد، مادامی که از روی قصد و عمد نباشد، تکفیر نمی‌گردد (بن باز، ۱۴۲۸، ۴۰۳/۱).

۳. اکراه: سومین مانع، انجام فعل یا گفتن قول کفرآمیز تحت اجبار و تهدیـد اسـت. بـر اساس نصوص قرآنی، فرد مکره بر کفر، در صورتی که قلبش به ایمان مطمئن باشـد، کـافر محسوب نمی‌شود (بن باز، ۱۴۲۴، ۸۴/۲۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۴. تأویل سائغ: چهارمین مانع، ارتکاب فعل یا قول کفرآمیز بر اساس فهم نادرست اما محتمل و دارای وجهی در لغت یا شرع است. مادامی که تأویل فرد، هرچند نادرست، مبتنی بر دلیلی باشد، تکفیر او جایز نیست (العثیمین، ۱۴۲۴، ۹۲/۱؛ الفوزان، بی‌تا، ب: ۹۵/۱؛ دمشقیه، ۸۵۸/۱).

وهابیت در مقام ادعا تأکید می‌ورزند که حکم تکفیر معین، امری بسیار خطیر و مسئولیت‌آور است و تنها پس از تحقق کامل شروط و انتفاء تمامی موانع، صادر می‌گردد (الشبل، ۵۲). با این حال، همانطور که بیان شد، موانع مطرح شده توسط آن‌ها محدود است.

در مقابل، البانی به عنوان یک شخصیت محدث و فقیه، موانع متفاوتی را برای تکفیر ذکر نموده است که تعداد و گستره آن‌ها، واگرایی عمیقی را با دیدگاه وهابیت ایجاد می‌کند. البانی معتقد است که مسائل تکفیر از دقیق‌ترین و عظیم‌ترین مسائل دینی است و تنها عالمان برجسته با فهم عمیق قادر به ورود به آن هستند[۱] (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۵/۴). وی با ذکر ده اصل و ضابطه، موانع تکفیر را توسعه می‌دهد که عبارتند از:

۱. حکم شرعی و حق محض خداوند: البانی تأکید می‌کند که تکفیر یک حکم شرعی و حق محض خداوند است و هیچ هیئت یا جماعتی حق تصرف در آن را ندارد. او تصریح می‌کند که نباید عقل، ذوق، یا احساسات شخصی مانند حماسه یا دشمنی، بر حکم تکفیر تأثیر بگذارد و تنها کسی که خداوند و رسولش او را کافر دانسته‌اند، کافر است (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۵/۴). این اصل، مبنای تمامی موانع بعدی است و از تکفیر بر اساس ظنون و هوای نفس جلوگیری می‌کند.

۲. لزوم اقامه حجت و رفع شبهه: البانی بیان می‌دارد که مسلمان با قول، فعل یا اعتقادش تکفیر نمی‌شود مگر پس از اقامه کامل حجت و رفع هرگونه شبهه از او (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۵/۴).

۳. عدم تفاوت بین اصول و فروع: یکی از مهم‌ترین نقاط واگرایی، دیدگاه البانی مبنی

---

۱. ذلک أن مسائل التکفیر من أعظم مسائل الدین وأکثرها دقة، لا یتمکن منها إلا الأکابر من أهل العلم الواسع والفهم الثاقب.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

بر عدم تفاوت در اقامه حجت و پذیرش عذر به جهل و تأویل میان مسائل اصـول دیـن و فروع دین است (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۶/۴). این در حالی است که وهابیت در مسائل اعتقادی و اصول دین، پس از ابلاغ حجت، عذر به جهل را نمی‌پذیرد. این تفاوت مبنایی در پذیرش عذر جهل در اصول و فروع، دامنه تکفیر وهابیت را به مراتب وسیع‌تر از البانی می‌سازد.

۴. تأکید بیشتر بر عذر در مسائل دقیق و خفیه: البانی عذر به جهل را در مسائل دقیـق و خفیه، مؤکدتر از سایر مسائل می‌داند (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۶/۴). این رویکرد، دایره عذر به جهل را بیش از پیش گسترش می‌دهد.

۵. تأکید بر عذر در زمان و مکان غلبه جهل: البانی عذر را در مکان و زمانی که جهل غالب و علم کم است، اولی و مؤکدتر می‌شـمارد (البـانی، ۱۴۳۱، ۱۸۶/۴). ایـن مـانع، بـه شرایط اجتماعی و فرهنگی فرد توجه می‌کند و با رویکرد وهابیت در عدم پذیرش جهل در بلاد اسلامی در تضاد است.

۶. تأکید بر عذر افراد ناتوان از کسب علم: البانی عذر فردی را که توانایی کـافی در کسـب علم ندارد یا از آن عاجز است، اولی و مؤکدتر از فردی می‌داند که متمکن از تحصیل علم اسـت (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۶/۴). این مانع نیز گستره عذر را فراتر از دیدگاه وهابیت می‌برد.

۷. تفاوت تکفیر بر اساس حال شخص: البانی تأکید می‌کند که حکم تکفیر بسته به حال شخص متفاوت است. هر خطاکار، بدعت‌گذار، جاهل یا گمراهی، لزوماً کافر، فاسق یا حتی عاصی نیست (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۶/۴). این مانع، تأکید وهابیت بر تکفیر برخی از مـرتکبین بدعت یا جهل را به چالش می‌کشد.

۸. وجوب تفریق بین اطلاق و تعیین: البانی تصریح می‌کند که نصوص وعید در کتـاب و سنت یا اقوال ائمه در تکفیر و تفسیق، لزوماً به معنای تحقق آن در مورد یک فـرد معـین نیست، مگر اینکه شروط محقق شده و موانع مرتفع گردند. وی بر عدم تفاوت در این زمینه بین اصول و فروع تأکید می‌کند (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۶/۴). این اصل، احتیاط فـراوان البـانی را در تکفیر افراد معین نشان می‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۹. پذیرش شعب کفر: البانی به مفهوم «شعب کفر» قائل است، به این معنا که کفر نیز مانند ایمان دارای اصول و شعبی است (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۷/۴).

۱۰. شعبه‌ای از کفر: البانی معتقد است همانطور که وجود یک «شعبه‌ای از ایمان» در فرد، او را مؤمن کامل نمی‌کند، وجود یک «شعبه‌ای از کفر» نیز لزوماً فرد را کافر مطلق نمی‌سازد[۱] (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۷/۴). این مانع، برخلاف رویکرد وهابیت است که در برخی موارد، یک عمل کفرآمیز را (که ممکن است شعبه‌ای از کفر باشد) به سرعت موجب تکفیر می‌داند.

بنابراین البانی در مقایسه با غالب علمای وهابی، با احتیاط و سخت‌گیری بیشتری در صدور حکم تکفیر عمل می‌نماید و با توسعه موانع تکفیر، گامی اساسی در جهت پرهیز از تکفیر مسلمانان برداشته است. این تفاوت در میزان وسعت موانع، یکی از نقاط کلیدی واگرایی میان این دو جریان در بحث کفر و تکفیر است که پیامدهای عملی مهمی در تعامل با مخالفان و اهل بدعت به دنبال دارد.

٤-٤. معیار کفر اکبر از منظر وهابیت

وهابیت برای تشخیص مصادیق کفر اکبر، به مجموعه‌ای از معیارهای مشخص استناد می‌کنند که برگرفته از فهم آنان از نصوص شرعی و میراث سلف صالح است. مهم‌ترین این معیارها عبارتند از:

۱. مخالفت صریح با نصوص قطعی کتاب و سنت:

یکی از مهم‌ترین معیارهای تشخیص کفر در دیدگاه وهابیت، مخالفت آشکار با نصوص قطعی و محکم قرآن کریم و سنت نبوی متواتر است. وهابیت در این باره تأکید می‌کنند که هر قول یا فعلی که به طور صریح و بدون هیچ تأویل مقبول شرعی، با نصوص قطعی در اصول اعتقادی یا احکام عملی مسلم دین در تضاد باشد، می‌تواند از مصادیق کفر اکبر شمرده شود

---

۱. ولا یلزم من قیام شعبة من شعب الإیمان بالعبد أن یسمی مؤمناً وإن کان ما قام به إیماناً، ولا من قیام شعبة من شعب الکفر أن یسمی کافراً وإن کان ما قام به.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

برای مثال، انکار وجوب نمازهای پنجگانه که در نصوص قطعی قرآن و سنت بر آن تأکید شده است، از منظر وهابیت، در صورت عدم وجود مانع، می‌تواند مصداقی از کفر اکبر باشد (العثیمین، ۱۴۲۶، ۴۷۲/۲؛ آل الشیخ، بی‌تا، ب: ۳۳۰/۲۱؛ بن باز، بی‌تا، الف: ۴/ ۱۶۹).

۲. ارتکاب نواقض اسلام

وهابیت، بر اساس فهم خود از ادله شرعی، مجموعه‌ای از اعمال، اقوال و اعتقادات را به عنوان نواقض اسلام برشمرده‌اند که ارتکاب آن‌ها، در صورت تحقق شروط و عدم وجود موانع تکفیر، می‌تواند موجب کفر اکبر گردد. ابن عبدالوهاب به اعتقاد خویش، ده مورد از مهم ترین این نواقض را ذکر می‌کند به عنوان مثال، ذبح کردن برای غیر خدا، از منظر وهابیت، مصداقی از شرک در عبادت و از نواقض اسلام محسوب می‌شود (ابن عبدالوهاب، بی‌تا، ب: ۳۸۷).

۳. عدم تحقق توحید و وقوع در شرک

از منظر وهابیت، اصل توحید (یگانگی خداوند در ذات، صفات و افعال)، رکن اساسی اسلام است. بر این اساس، هرگونه شرک ورزیدن به خداوند در الوهیت، ربوبیت یا اسماء و صفات، از بزرگ‌ترین مصادیق کفر اکبر به شمار می‌رود. بن باز در این زمینه تصریح می‌کند که "هر کس چیزی یا کسی را با خداوند در عبادت شریک قرار دهد، یا به او استغاثه کند، یا برای او نذر کند، یا از او طلب مدد کند در اموری که جز خداوند بر آن قادر نیست، مرتکب شرک اکبر شده و کافر می‌گردد" (بن باز، بی‌تا، ب: ۴۹/۱).

۴. اعراض از دین

رویگردانی از تعلم اصول و فروع دین، عدم عمل به مقتضای آن، و بی‌توجهی و بی‌همتی نسبت به آن، از دیگر معیارهای کفر اکبر در دیدگاه وهابیت محسوب می‌شود. شیخ صالح آل الشیخ با استناد به آیه شریفه «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ» (انبیاء، ۲۴) تأکید می‌کند که «اعراض از دین خدا، به این معنا که شخص نه به دنبال یادگیری آن باشد و نه به آن عمل کند، از نواقض اسلام و از مصادیق کفر اکبر است» (آل الشیخ، بی‌تا، الف: ۲۰/۱).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

در مقابل از منظر البانی، معیار اساسی کفر مخرج از ملت، اعتقاد قلبی فرد است. وی معتقد است که انکار قلبی (جحود) آگاهانه و از روی عناد اصول دین یا احکام قطعی و معلوم از دین بالضروره، به شرط علم فرد به آن حکم، معیار کفر اعتقادی و ارتداد است[۱] (البانی، بی‌تا، ب: ۲۸۴/۱۰؛ البانی، ۱۴۳۱: ۲۴۹/۴).

البانی با استناد به حدیث «هلا شققت عن قلبه»[۲] بر عدم کفایت ظاهر اعمال و اقوال و لزوم توجه به اعتقاد قلبی تأکید می‌کند (البانی، ۱۴۳۲، ۱۷۱/۱۰). وی با اشاره به قاعده ابن عباس درباره «کفر دون کفر» در مورد حکم به غیر ما انزل الله، تصریح می‌کنند که کفر اعتقادی (جای گرفتن کفر در قلب) موجب خروج از ملت است، در حالی که کفر عملی (عمل مخالف اعتقاد) چنین نیست (البانی، ۱۴۳۱، ۲۹۷/۴ و ۲۹۸).

۵. جمع‌بندی و تحلیل دو دیدگاه

تحلیل تطبیقی اندیشه‌های وهابیت و البانی در مسئله کفر و کافر، با وجود همگرایی‌هایی در مبانی نظری، واگرایی‌های بنیادینی را در رویکرد عملی و تطبیق احکام آشکار می‌سازد. این تفاوت‌ها، به ویژه در نحوه تعیین مصادیق و اعمال شروط و موانع تکفیر، پیامدهای عمده‌ای در گستره شمول تکفیر داشته است. در ادامه به بررسی دقیق‌تر همگرایی‌ها و واگرایی‌های این دو جریان فکری خواهیم پرداخت.

۵-۱. همگرایی‌ها

همگرایی وهابیت و البانی عمدتاً در سطح مفاهیم و تقسیم‌بندی‌های نظری کفر نمود می‌یابد:

۱. همگرایی در تعریف: هر دو جریان، کفر را به معنای لغوی «پوشاندن» و در اصطلاح شرعی به «عدم ایمان»، «عدم توحید» یا «انکار حقیقت پس از آشکار شدن حجت» تعریف می‌کنند (ابن عبدالوهاب، ۱۳۴۹، ۳۳؛ البانی، ۱۴۳۲، ۲۴۲/۶ و ۲۴۳). تأکید هر دو

---

۱. الکفر المخرج عن الملة یتعلق بالقلب، لا یتعلق باللسان.

۲. قلبش را شکافتی؟

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

بر عنصر «عناد» و «علم به حقیقت» پس از اتمام حجت، نشانگر یک مبنـای مشـترک در احراز کفر نظری است.

۲. همگرایی در تقسیم‌بندی: وهابیت و البانی هر دو، کفر را به دو قسم اساسـی «کفـر اکبر» و «کفر اصغر» و نیز به «کفر اعتقـادی» و «کفـر عملـی» تقسـیم مـی‌کننـد. هـر دو متفق‌القول هستند که کفر اکبر موجب خروج از اسلام و خلود در آتش است، در حـالی کـه کفر اصغر منافی کمال ایمان است و بـه تنهـایی موجـب خـروج از ملـت نمـی‌شـود (ابـن عبدالوهاب، بی‌تا، الف: ۴۶؛ البانی، ۱۴۳۱، ۴۵۴/۴). این ساختار مفهومی مشترک، نشان از یک پایه نظری همسان در فهم اقسام کفر دارد.

۵-۲. واگرایی‌ها

با وجود همگرایی‌های نظری فوق، در مقام التزام عملی به این تعاریف و اقسـام، واگرایـی‌هـای چشمگیری رخ می‌دهد که خط‌مشی فکری و عملی این دو جریان را متمایز می‌سازد:

۱. التزام عملی به تعریف و اقسام کفـر: با وجود توافق نظری در تعریـف و تقسـیم‌بنـدی کفر، وهابیت و البانی در تطبیق عملی این مفاهیم بر افراد و گروه‌ها تفـاوت فاحشـی دارنـد. وهابیت، با تکیه بر تعاریف کفر اکبر و شرک، اغلب بـا تنـدروی و افـراط‌گرایـی، بسـیاری از اعمال فرق اسلامی دیگر (مانند استغاثه، ذبح، نذر برای غیرالله) را مصداق شرک اکبـر قلمـداد کرده و به تکفیر صریع مخالفان و حتی برخی موافقان خود مبادرت می‌ورزد (ابن عبدالوهاب، بی‌تا، ۴/۱). این شیوه مواجهه، اغلب به برخوردهای شدید و خشونت علیـه مخالفـان منجـر شده است. در مقابل، البانی با رویکردی محتاطانه‌تر و معتدل‌تر، براساس شـروط دقیـق‌تـر و موانع توسعه‌یافته، دایـره تکفیـر عملـی را بـه مراتـب محـدودتر مـی‌سـازد (البـانی، ۱۴۳۲، ۱۷۱/۱۰). این احتیاط، موجب مواجهه ملایم‌تر او با مخالفان فکری‌اش شده است.

۲. توسعه موانع تکفیر: البانی، برخلاف وهابیت که به چهار مانع اصلی (جهل، خطا، اکراه، تأویل سائغ) بسنده می‌کند (العثیمین، ۱۴۲۴، ۹۲/۱؛ بـن بـاز، ۱۴۲۸، ۴۱۹/۱). دایـره موانـع

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

تکفیر را به نحو چشمگیری گسترش می‌دهد و ده اصل و ضابطه برای آن برمی‌شمارد (البانی، ۱۴۳۱، ۱۸۵/۴). این توسعه شامل پذیرش جهل در اصول و فروع (برخلاف وهابیت که جهل در اصول را پس از ابلاغ حجت نمی‌پذیرد)، تأکید بر عذر در مسائل «دقیق و خفیه»، و توجه به شرایط «زمانی، مکانی و فردی» (غلبه جهل یا ناتوانی در کسب علم) است. این رویکرد گسترده در پذیرش موانع، از مصادیق مهم واگرایی محسوب می‌شود.

۳. شرط دانستن اعتقاد قلبی: البانی در شروط تکفیر، افزون بر شروط وهابیت (ثبوت کفر بودن فعل/ قول، انطباق وصف کفر بر شخص، اقامه حجت و رفع شبهه)، شرط «یقین به انکار و مخالفت قلبی طرف مقابل» را لازم می‌داند (البانی، ۱۴۳۲، ۱۷۱/۱۰). این شرط، جایگاه اعتقاد و نیت قلبی را در کفر افراد بسیار پررنگ‌تر از وهابیت می‌کند و دایره تکفیر عملی را تنگ‌تر می‌سازد، چرا که احراز یقین به نیت قلبی امری دشوار است.

۵. سخت‌گیری در معیار تکفیر: وهابیت در تشخیص مصادیق کفر اکبر، بر مخالفت صریح با نصوص قطعی (مانند انکار وجوب نماز)، ارتکاب نواقض اسلام (مانند ذبح برای غیر خدا)، عدم تحقق توحید و اعراض از دین تأکید دارد (العثیمین، ۱۴۲۶، ۴۷۲/۲؛ ابن عبدالوهاب، بی‌تا، ب: ۳۸۷). در مقابل، البانی معیار اساسی کفر مخرج از ملت را اعتقاد قلبی فرد می‌داند. وی معتقد است که انکار قلبی (جحود) آگاهانه و از روی عناد اصول دین یا احکام قطعی، به شرط علم فرد به آن حکم، معیار کفر اعتقادی و ارتداد است (البانی، بی‌تا، ب: ۲۸۴/۱۰؛ البانی، ۱۴۳۱، ۲۴۹/۴). او با استناد به حدیث «هلا شققت عن قلبه» (البانی، ۱۴۳۲، ۱۷۱/۱۰). بر عدم کفایت ظاهر اعمال و اقوال و لزوم توجه به نیت قلبی تأکید می‌کند و در مواردی مانند ترک نماز، بین کفر عملی و اعتقادی تمایز قائل می‌شود (البانی، ۱۴۳۱، ۲۵۰/۴). این رویکرد، دایره مصادیق کفر اکبر را از دیدگاه البانی به طور عملی تنگ‌تر می‌سازد.

بنابراین با توجه به موارد فراوانی از واگرایی‌ها بین وهابیت و البانی، به ویژه در التزام عملی به مفهوم کفر، توسعه موانع، تأکید بر شرط اعتقاد قلبی و سخت‌گیری در تعیین مصادیق کفر اکبر، می‌توان البانی را در مسئله تکفیر، دارای مکتب فکری مستقل و متمایزی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

از جریان غالب وهابیت دانست. تفاوت‌های البانی با وهابیت، صرفاً در جزئیات فقهی یا کلامی نیست، بلکه در روش‌شناسی و رهیافت کلی به مسئله خطیر تکفیر ریشه دارد.

وهابیت، با اتخاذ رویکردی انحصاری و سخت‌گیرانه در تطبیق نظریات کفر، به سرعت به تکفیر مخالفان و حتی برخی از اهل سنت مبادرت می‌ورزد و این امر به افراط‌گرایی و خشونت‌ورزی در جهان اسلام دامن زده است. تنگ بودن دایره موانع تکفیر و عدم توجه کافی به پیچیدگی‌های نیت قلبی و شرایط افراد، این مکتب را مستعد تکفیر وسیع‌تر ساخته است. شواهد تاریخی و معاصر نشان می‌دهد که بسیاری از گروه‌های تکفیری افراطی (مانند القاعده و داعش) با استناد به برخی اصول و فتاوای وهابی، اقدامات خشونت‌بار خود را توجیه می‌کنند.

در مقابل، رویکرد البانی با توسعه موانع و تأکید بر شروط دقیق‌تر، گامی اساسی در جهت پرهیز از تکفیر مسلمانان برداشته است. این احتیاط، ریشه در فهم دقیق‌تر وی از نصوص شرعی و لزوم حفظ وحدت امت اسلامی دارد. رویکرد او، راه را بر سوءاستفاده از مفهوم کفر برای توجیه خشونت می‌بندد و بر لزوم بررسی دقیق نیت و شرایط فرد در هنگام صدور حکم تکفیر تأکید می‌کند. بنابراین، با آنکه هر دو جریان سلفی محسوب می‌شوند، اما البانی با رویکرد احتیاطی و اعتدالی خود در مسئله تکفیر، در نقطه مقابل جریان غالب وهابیت قرار می‌گیرد. این تفاوت در رهیافت عملی، نه تنها از نظر فقهی و کلامی، بلکه از منظر اجتماعی و سیاسی نیز حائز اهمیت است و تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و هدایت جریانات اسلامی در جهان معاصر داشته است. تفکیک قائل شدن میان اندیشه البانی و دیدگاه‌های غالب وهابیت در این حوزه، برای تحلیل دقیق‌تر پدیده تکفیر و ارائه راه‌حل‌های مؤثر برای مقابله با افراط‌گرایی، ضروری به نظر می‌رسد.

۶. نتایج مقاله

براساس آنچه در پژوهش حاضر ذکر شد به بررسی دیدگاه البانی و وهابیت در معیار کفر و کافر پرداخته شد؛ نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که وهابیت و البانی در دو

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

جنبه اصلی هم‌نظر هستند:

۱. در تعریف نظری کفر و کافر که بر انکار آگاهانه حقیقت پس از اتمام حجت شرعی تأکید دارند.

۲. در اصل تقسیم‌بندی کفر به کفر اکبر (موجب خروج از دین) و کفر اصغر (منافی کمال ایمان).

با این حال، چهار حوزه بنیادین واگرایی، تفاوت خط‌مشی عملی آن‌ها را آشکار می‌سازد:

۱. وهابیت در التزام عملی به تعریف و اقسام کفر رویکردی سخت‌گیرانه‌تر دارد که به تکفیر گسترده‌تر می‌انجامد، در حالی که البانی موضعی محتاطانه‌تر اتخاذ می‌کند.

۲. نقطه افتراق مبنایی میان وهابیت و البانی در صورت بندی شروط کفر اکبر نهفته است جایی که البانی برخلاف وهابیان بر«یقین به انکار قلبی» به عنوان یک شرط اساسی در شروط تکفیر تاکید دارد.

۳. از آنچه گفته شد توسعه دایره موانع تکفیر (مانند بسط عذر جهل و توجه به شرایط خاص) از سوی البانی یکی دیگر از افتراقات با وهابیت است.

۴. در تعیین معیار کفر اکبر، البانی احتیاط بیشتری نشان می‌دهد و به جنبه اعتقاد قلبی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد.

این تمایزات بنیادین، البانی را در حوزه کفر و کافر، دارای مکتب فکری مستقل و معتدلی از جریان غالب وهابیت قرار می‌دهد که با اولویت‌بخشی به جنبه‌های احتیاطی، در جهت پرهیز از تکفیر بی‌رویه مسلمانان گام برداشته و پیامدهای اجتماعی و سیاسی متفاوتی را به دنبال دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن عابدین، محمد امین بن عمر، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت: دار الفکر،۱۴۱۲ق.
۳. ابن عبد الوهاب، محمد، الرسالة المفیدة، المحقق: محمد بن عبد العزیز المانع، رئاسة إدراة البحوث العلمیة والإفتاء والدعوة والإرشاد، بی‌تا- الف.
۴. همو، مجموعة رسائل فی التوحید والإیمان، المحقق: إسماعیل بن محمد الأنصاری، الریاض، المملکة العربیة السعودیة، جامعة الإمام محمد بن سعود، بی‌تا- ب.
۵. همو، خمسون سؤالاً وجواباً فی العقیدة، موقع مشکاة الإسلامیة، المکتبه الشامله. بی‌تا- ج.
۶. همو، الجواهر المضیة، دار العاصمة، الریاض، المملکة العربیة السعودیة، الطبعة الأولی بمصر، ۱۳۴۹.
۷. ابن فوزان، صالح، الأجوبه المفیده عن أسئله المناهج الجدیده، جَمْعُ وَتَعْلیقُ وَتخریجُ: جَمَال بْن فُریحِان الحَارِثَّی طبْعَةٌ جَدِیدَةٌ مَزِیدَةٌ ومُنقّحَةٌ، بی‌تا - الف.
۸. همو، کتب الردود، المکتبه الشامله، بی‌تا- ب.
۹. همو، کتب العقیده، المکتبه الشامله، بی تا- ج.
۱۰. آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، شرح العقیدة الطحاویة، المکتبه الشامله، ۱۴۲۰.
۱۱. همو، محاضرات ودروس مفرغة للشیخ صالح آل الشیخ، الشاملة الذهبیة، بی‌تا- الف.
۱۲. همو، العقیده الشیخ الصالح آل شیخ، المکتبه الشامله، بی‌تا- ب.
۱۳. امین، محسن، کشف الإرتیاب، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۶.
۱۴. البانی، محمد ناصر الدین، موسوعة الألبانی فی العقیدة، صنعاء، الیمن، مرکز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامیة وتحقیق التراث و الترجمة، ۱۴۳۱ق.
۱۵. همو، جامع تراث العلامة الألبانی فی المنهج والأحداث الکبری، شادی بن محمد بن سالم آل نعمان، صنعاء، الیمن، مرکز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامیة وتحقیق التراث و الترجمة، ۱۴۳۲.
۱۶. همو، تفریغ «سلسلة الهدی و النور» للشیخ الألبانی، المکتبه الشامله، بی‌تا- الف.
۱۷. همو، تفریغ «أشرطة متفرقة» للشیخ الألبانی، المکتبه الشامله، بی‌تا- ب.
۱۸. همو، سلسلة الأحادیث الصحیحة و شیء من فقهها و فوائدها، الریاض، مکتبة المعارف للنشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق.
۱۹. همو، سلسلة الأحادیث الضعیفة و الموضوعة و أثرها السیئ فی الأمة، ریاض، دار المعارف چاپ اوّل، ۱۴۱۲.
۲۰. بن باز، عبد العزیز بن عبدالله، فتاوی نور علی الدرب لابن باز بعنایة الشویعر، جمعها الدکتور محمد بن سعد الشویعر، المکتبه الشامله، بی‌تا- الف.
۲۱. همو، مجموع فتاوی العلامة عبد العزیز بن باز رحمه الله، أشرف علی جمعه وطبعه، محمد بن سعد الشویعر، المکتبه الشامله، بی‌تا- ب.
۲۲. همو، دروس للشیخ عبد العزیز بن باز، مصدر الکتاب، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبکة الإسلامیة، المکتبه الشامله، بی‌تا-ج.
۲۳. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء (المجموعة الأولی)، ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمیة و الإفتاء، چاپ اوّل، ۱۴۲۴ق.
۲۴. همو، اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء، فتاوی اللجنة الدائمة، جمع و ترتیب، أحمد بن عبد الرزاق الدویش، الریاض، رئاسة إدارة البحوث العلمیة و الإفتاء، چاپ اوّل، ۱۴۲۸ق.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۴.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]

۲۶. دمشقیه، عبد الرحمن بن محمد سعید، موسوعه أهل السنه فی نقد أصول فرقه الأحباش، ریاض، دارالمسلم، ۱۴۱۸.
۲۷. سبحانی، جعفر، الایمان و الکفر فی الکتاب و السّنّة، قم، مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام، ۱۴۱۶.
۲۸. علم الهدی، سید مرتضی، الذخیره فی علم الکلام، جامعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱.
۲۹. الشبل، علی بن عبد العزیز بن علی، مسألة الإیمان دراسة تأصیلیة، تقریظ، الشیخ صالح بن فوزان الفوزان، الشیخ عبد الله بن سلیمان بن منیع، الشیخ عبد الله بن محمد الغنیمان، المکتبه الشامله، بی‌تا.
۳۰. شیبانی، محمد بن ابراهیم، حیاه الالبانی وآثاره وثناء العلماء علیه، قاهره، مکتبه السداوی، ۱۹۸۷م.
۳۱. عبدالملکی، محسن، وهابیت تاریخ و افکار، قم، موسسه دارالاعلام لمدرسه اهل البیت، ۱۳۹۶.
۳۲. العثیمین، محمد بن صالح بن محمد، لقاء الباب المفتوح، مصدر الکتاب، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبکة الإسلامیة، ۱۴۲۱.
۳۳. همو، مجموع فتاوی و رسائل العثیمین، جمع و ترتیب، فهد بن ناصر بن إبراهیم السلیمان، الطبعة الأخیرة، دارالثریا، ۱۴۱۳.
۳۴. همو، فتاوی أرکان الإسلام، جمع و ترتیب، فهد بن ناصر بن إبراهیم السلیمان، الریاض، دار الثریا للنشر و التوزیع، ۱۴۲۴.
۳۵. همو، شرح العقیدة السفارینیة ـ الدرة المضیة فی عقد أهل الفرقة المرضیة، الطبعة الأولی، الریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۲۶.
۳۶. فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، تقدیم، محمدعبدالرحمن المرعشلی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۴.
۳۷. محمد العلی، ابراهیم، محمد ناصرالدین الالبانی محدث العصر و ناصر السنه، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۲ق.
۳۸. نیشابوری مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاهره، مصر، دار الحدیث، ۱۴۱۲.
۳۹. یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، المجموعة، فقه الشیعة من القرن الثامن، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-23]